

تردد و پارک خودروها، امنیت و کسب و کار غرفه داران کوچه شهید شوشتری را تهدید می کند

## خطرهای معبر شب بازار

هم قدم

### پارک خودرو در شب بازار

علی نمازگزار که بساط لباس فروشی اش در کنجی قرار گرفته، می گوید: بازار از ساعت ۷:۳۰ شروع می شود. زائرانی که می روند زیارت، ماشینشان را در این کوچه می گذارند. ماهر روز باید زنگ بزنیم به ۱۱۰ و پلاک خودروها را بگوییم تا یکی یکی از حرم بیایند و خودرویشان را جابه جاکند. محسن ابراهیمی از غرفه کناری جلو می آید و می گوید: ایام زیارتی که اتوبوس های پاکستانی می آیند و پارک می کنند، مکافات داریم. هر کدام جای ۶ غرفه را می گیرند.

### جابه جایی مجدد امکان پذیر نیست

مدیرعامل سازمان سامان دهی مشاغل شهری و فرآورده های کشاورزی شهرداری مشهد با اشاره به اینکه جابه جایی شب بازار طبرسی به دنبال درخواست های مکرر شهروندان از سامانه ۱۳۷ بود گفت: غرفه های این شب بازار با فروش پوشاک و هم پوشانی صنفی باکسبه محل، موجب نارضایتی اهالی و تشدید مشکلات ترافیکی خیابان شهید شوشتری شده بود. در نهایت انتقال بازار به محل قبلی خود، راهکاری مؤثر برای رفع این چالش ها بود. عارف عباسی در ادامه افزود: جابه جایی مجدد شب بازار امکان پذیر نیست. اما راهکارهایی می توان برای رفع مشکلات فعلی ارائه کرد. راه حل هایی مانند نصب تابلو پارک ممنوع و همچنین محدودیت ورود خودرو در ساعات برگزاری شب بازار را می توان از طریق اداره حمل و نقل و ترافیک پیگیری کرد.

است و مدام موتور و ماشین از میان غرفه هارد می شود. نمی توانیم لحظه ای از بچه هایمان چشم برداریم. وقتی به ۱۱۹ غرفه این شب بازار نگاه دقیق تری می اندازم، متوجه می شوم بیشتر فروشنده ها خانم هایی هستند که مسئولیت زندگی را بر عهده دارند و مجبورند فرزندانشان را هم با خود بیاورند. نماینده شب بازار که به دنبال بازگرداندن بازار به حاشیه بولوار شهید شوشتری است، می گوید: جای قبلی غرفه هاد و طرف پیاده رو بود و در مسیر عبور عابران پیاده. محمد ابراهیم موسوی، عکس هایی را نشان می دهد که عبور خودروها خریداران پای غرفه را به زحمت انداخته است و می گوید: خریداری که ببیند جانش در خطر است، توقف نمی کند و رد می شود.



نجمه موسوی کاهانی شب بازار خیابان طبرسی که از سال ۷۹ با غرفه های پوشاک، کفش، وسایل خرد منزل و زیورآلات راه اندازی شد. در دوره های مختلف، در چند محل متفاوت به کار خود ادامه داد. این بازار قبل از شیوع کرونا در کوچه شهید شوشتری ۴ جانی شده بود اما با شروع بیماری به حد فاصل شوشتری ۱ و ۳ منتقل شد. این جابه جایی موافقان و مخالفانی داشت که با پیگیری برخی کسبه بازار چه حاج آقا جان و اهالی محله پایین خیابان، در نهایت آبان سال گذشته به محل قبلی خود برگشت. اما تعداد زیادی از غرفه داران که به محل جدید عادت کرده بودند، از این جابه جایی ناراضی هستند و درخواست بازگشت به حاشیه بولوار شهید شوشتری را دارند.

### تردد خطرناک خودرو از میان غرفه ها

دو طرف کوچه، غرفه دارها بساط خودرو را روی گاری پهن کرده اند و چشم انتظار مشتری هایی هستند که هر سال کمتر از قبل خرید می کنند. در این کساد بازار، بهار رضوی دستبند های عربی اش را مرتب می چیند و می گوید: در راسته خیابان، مشتری های بیشتری داشتیم و خیلی از غرفه دارها به دنبال برگشتن به محل قبلی مان هستند. اما من معتقدم که روزی رسان خداست، پس فرقی ندارد کجا باشیم. اما در کنار این باور زیبای بهار، مریم اقلیمی نگاه مادرانه ای دارد و می گوید: وقتی در بولوار شوشتری بودیم، غرفه هاد پیاده رو بود و بچه ها می توانستند با هم بازی کنند. اما اینجا کوچه

### دل خوش به احوالپرسی ها

فاطمه حسینی، صاحب سوپر آفتاب، دنباله صحبت های همسایه قدیمی را می گیرد و می گوید: برای چای دم کردن در مغازه، من خیلی از چادرهایم را سوزانده ام. خانم های همسایه که می آیند سر بزنند، سفارش می کنند حواسم به لباس ها و چادرهایم باشد. من هم دلم به همین احوالپرسی ها خوش است. او که چند سالی است به خاطر کسالت همسرش، کارش در مغازه بیشتر شده است، اضافه می کند: این سال ها شاید ما کار خاصی برای هم نکرده باشیم، ولی حواسمان به هم بوده است. خاطره کوپن ها هم هنوز در ذهن او و اهالی زنده است. حاج خانم صاحب مغازه بالبخند تعریف می کند: اهالی اینجا به ویژه خانم حسنی و جلائیان از وقتی که دفترچه های زرد رنگ بسیج یا کوپن وجود داشت، برای خرید قند و شکر به سوپری ما می آمدند. آن سال های همسایه پر جمعیت داشتیم که ارزاق خانواده اش را از مغازه ما تأمین می کرد.

همسایه به همسایه، دیدار بیست و سوم، خیابان وحدت ۱۹

## همسایه های غریب نواز آفتاب

سمیرا شاهیان ادر کوچه آفتاب، هنوز هم می شود در روزگاری را گرفت که همسایه های بیشتر از فامیل هوای هم را داشتند. وقتی هر روز پیش از ظهر، چند نفر از خانم های همسایه، جلو سوپری قدیمی جمع می شوند، می توان فهمید روابط آن هاریشه دار و قدیمی است. کوچه وحدت ۱۹ و به ویژه سوپری قدیمی آن، محل به اشتراک گذاشتن حال ها و احوال هاست. خانم های همسایه در اینجا، اشتراکاتی فراتر از دیوار خانه هایشان دارند و آن هم روحیه همسایه مداری است.

### دعا کردن در حق همسایه

بی بی بتول حسنی بیش از ۵۳ سال است که در این محله زندگی می کند. او که روزی دوبار، سری به سوپر آفتاب می زند، می گوید: در این همه سال، همسایه ها مثل خانواده کنار هم بوده اند. حاج خانم حسنی توضیح می دهد: در گذشته، همسایه داری خیلی حرمت داشت. کمترین کاری که همسایه ها برای هم انجام می دادند دعا در حق یکدیگر بود. مثلاً همین چند وقت پیش، وقتی دست حاج خانم حسنی سوخته بود، دلم طاقت نمی آورد به او سر نزنم. کاری از من نمی خواست، ولی می آمدم تا مطمئن شوم حالش بهتر است و پسرهایش کارهای مغازه را انجام می دهند. او نیمه شبی را به یاد می آورد که یکی از همسایه ها حال همسرش بد شده بود و در خانه شان رازد. می گوید: من تا صبح بالای سرش نشستم تا دکتر پیدا کردند و او را بردند برای مداوا.

### وفادار به آشنایی های قدیمی

نیره جلائیان هنوز هم به مغازه سوپری محل «بقالی» می گوید. او تعریف می کند: قدیم رسم بود خرید را از همسایه انجام دهند تا پول در جیب هم محلی بماند. درست نبود همسایه را رها کنی و بروی سر خیابان خرید کنی. این همسایه قدیمی حالا هم با اینکه خانه شان دورتر شده است، باز هم خریدش را از همین مغازه انجام می دهد؛ فقط به خاطر همان آشنایی های قدیمی. در این کوچه هنوز هم رسم همسایه داری پر رنگ است. نیره جلائیان می گوید: ما در این محل نمی گذاریم کسی تنها بماند. با همسایه های جدید هم گرم می گیریم و حواسمان هست که احساس غریبی نکنند. نیره خانم جلائیان به یاد می آورد که در گذشته همسایه ها بیشتر از هرفامیلی به دردم می خوردند.



همسایه به همسایه

